

صد  
سال

موسیقی سنتی ایران

ثريا کريمي

# صدال موسیقی سنتی

پر اهمام: ثریا کریمی

## فهرست مطالب

عنوان .....	صفحه
مقدمه .....	۱۳
بخش اول: تاریخچه، دستگاهها و آلات موسیقی ایران .....	۱۵
تاریخچه موسیقی ایران .....	۱۷
بخش دوم: بزرگان موسیقی معاصر ایران .....	۳۹
بدیعی، حبیب الله .....	۴۱
برومند، نور علی .....	۴۹
بهاری، علی اصغر .....	۵۵
پایور، فرامرز .....	۶۳
تجویدی، علی .....	۶۹
تهرانی، حسین .....	۷۶
حنانه، مرتضی .....	۸۰
خالدی، مهدی .....	۸۸
خالقی، روح الله .....	۹۵
خرّم، همایون .....	۱۰۵

۱۱۲.	درگاهی، ارسلان
۱۲۰.	دهلوی، حسین
۱۲۷.	ذوالفنون، جلال
۱۳۵.	روشن روان، کامبیز
۱۴۶.	زرین پنجه، نصرالله
۱۵۵.	سماعی، حبیب
۱۶۲.	سنجری، حشمت
۱۶۷.	شریف، فرهنگ
۱۷۴.	شهبازیان، فریدون
۱۸۲.	شهردار، مشیر همایون
۱۸۷.	شهنماز، جلیل
۱۹۳.	شهنمازی، علی اکبر
۲۰۲.	صبا، ابوالحسن
۲۱۱.	صفوت، داریوش
۲۱۵.	طلایی، داریوش
۲۲۴.	ظریف، هوشنگ
۲۳۱.	عبدی، احمد
۲۴۰.	علیزاده، حسین
۲۴۸.	فخرالدینی، فرهاد
۲۵۸.	کامکار، بیژن
۲۶۶.	کامکار، حسن
۲۷۱.	کسایی، حسن
۲۷۹.	کلهر، کیهان
۲۸۸.	کیانی، مجید
۲۹۳.	لشکری، جواد
۳۰۲.	لطفی، محمد رضا
۳۱۰.	مجد، لطف الله

۳۱۸.....	محجوبی، رضا
۳۲۶.....	محجوبی، مرتضی
۳۳۲.....	مشکاتیان، پرویز
۳۴۰.....	معروفی، جواد
۳۴۹.....	معروفی، موسی
۳۵۴.....	ملاح، حسین علی
۳۵۹.....	ملک، چهانگیر
۳۶۵.....	نی داود، مرتضی
۳۷۵.....	ورزنده، رضا
۳۸۵.....	وزیری، علی نقی
۳۹۸.....	وفدار، مجید
۴۰۸.....	یاحقی، پرویز
۴۱۴.....	یاحقی، حسین
۴۲۳.....	كتابنامه

## مقدمه:

«با دقت به ترانه‌های مُلی گوش فرادار، آن‌ها سرچشمه‌ی بی‌پایان زیباترین ملوودی‌ها هستند که چشم‌های تو را به صفت‌های مشخصه ملل گوناگون باز می‌کند»

روبرت شومان

وقتی روح ناآرام آدمی در گذر از زمان دچار فراز و فرودهایی می‌شود، موسیقی با تمام زیبایی‌ها به کمک این روح پریشان و مضطرب می‌آید و تخفیفی بر آلام فرو خفته‌ای می‌شود که چه بسا آدمی را با زندگانی بیگانه کرده‌اند.

بی‌شک نمی‌توان تاثیر موسیقی را بی‌اهمیت تلقی نمود که بسیار مواردی بوده که موسیقی با نوای سوزناکش اشک را از چشم انسان جاری نموده و رنج‌هایش را تسکین داده یا بالعکس شادی و طرب را در نهاد انسان به وجود آورده است. این بدان معنی است که موسیقی داروی روح است و جایگاه رفیعی در حیات معنوی دارد و بهتر آنکه بخشی از زندگی روزمره به موسیقی اختصاص داده شود.

ایران که از ابتدا مهد هنر بوده در زمینه‌ی موسیقی، نوابغ و چهره‌های ماندگاری را پرورش داده که پویایی و خلاقیت در زندگ

دیده می‌شود. دستان توانمندی که آهنگ‌های سرشار از غم و شادی را نواخته‌اند و اینک ماییم و این گنجینه‌ی گرانبها که به یادگار مانده. گنجینه‌ای که حاصل مراتت‌ها و تلاش‌های اساتید زمان بوده. اساتیدی که عشق را سرلوحه‌ی کارشان قرار داده و عمری را در این راه گذرانده‌اند و کاش قدر و منزلتشان را بدانیم و این گنجینه‌های قدیمی و سنتی کشور را حفظ نموده و در اشاعه‌ی هر چه بیشتر آن تلاش کنیم. به امید آن روز

دل‌هایمان را می‌سپاریم به سرگذشت، آثار و زندگی این بزرگان.

ثريا کريمي



بنجش راول

تار، نیخچه، دستگاه‌ها و آلات موسیقی

## تاریخچه موسیقی ایران:

تاریخ موسیقی ایران زمین را می‌توان به دو بخش اصلی پیش از اسلام و پس از اسلام تقسیم کرد.

دوران پیش از اسلام شامل: دوران قبل از مادها، دوره‌ی مادها، دوره‌ی پارس‌ها، هخامنشیان، پارت‌ها، اشکانیان و ساسانیان می‌باشد.

دوره‌ی ساسانی مهم‌ترین دوران شکوفایی موسیقی در ایران باستان است. زیرا اغلب شهریاران ساسانی نه تنها دوستدار موسیقی بودند بلکه بسیاری از آنها، خود با موسیقی آشنایی داشتند. در زمان شهریاری خسروپرویز با زمینه‌ای که از گذشته فراهم شده بود و استادان ماهری که در زمینه‌ی موسیقی پرورش یافته بودند، عصر طلایی موسیقی ایران به وجود آمد.

تمدن و فرهنگ این دوره آخرین تجلی تمدن و هنر کهن ایران و مکمل تمدن هخامنشی بود. بنابر مدارک موجود جشن‌های علمی و فرهنگی و هنری عهد ساسانیان به مراتب بیش از دوران قبل بود. از جمله جنبش علمی-هنری که از زمان انوشیروان به منتها درجه‌ی خود رسید و هنر موسیقی که از زمان اردشیر بابکان مورد حمایت و

توجه قرار گرفته بود، در زمان بهرام گور و خسرو پرویز رو به پیشرفت و ترقی نهاد. از دیگر دلایلی که می‌توان غنای فرهنگی و موسیقی دوره‌ی ساسانیان را به اثبات رساند، گوشه‌هایی از دستگاه‌های موسیقی بوده که

اکنون نیز نواخته می‌شود از جمله: خسروانی، اورامن و پهلوی

هنر موسیقی در دوره‌ی ساسانیان تا جایی رشد یافت که علاوه بر آوازها که دارای اسمی ویژه بودند، ترانه‌های ضربی که برای شعر ساخته نشده بود (مانند پیش درآمدهای امروزی) نیز نامی داشتند.

معروفترین آهنگ‌سازان دوره‌ی خسروپرویز باربد و نکیسا بودند.

اختراع دستگاه‌های ایرانی را به باربد نسبت می‌دهند و به نظر می‌رسد که او در مقام‌های قدیم اصلاحاتی به عمل آورد و دستگاه‌ها را تنظیم کرد. دستگاه‌های موسیقی مرکب از هفت خسروانی بوده و اختراع آنها را به نکیسا خواننده‌ی معروف خسروپرویز نسبت داده‌اند. به علاوه ۳۰ لحن و ۳۶۰ دستان (آهنگ) وجود داشته که با ایام هفته، ماه و روزهای سالِ ساسانیان مناسبت داشته است.

یکی از آوازها «راست» است که امروزه یکی از دستگاه‌های ایرانی است و در زمان خسروپرویز ایجاد شده بود. از سازهای دوره‌ی ساسانیان می‌توان بربط، چنگ، نای و شیپور را نام برد.

پس از غلبه‌ی عرب و فروپاشی تمدن و فرهنگ ایران و رواج دین اسلام بعضی از رشته‌های هنری از جمله موسیقی تحريم شد و موسیقی ایران از سرعت پیشرفت خود باز ماند و دستخوش دگرگونی شد ولی به طور کامل از بین نرفت و مانند دیگر هنرهای زیبا به روش‌های مختلف به حیات خویش ادامه داد. با ظهور سلسله‌ی صفویه و سیاست مذهبی آن در رسمی شمردن و راسخ کردن مذهب شیعه در ایران این رشته

از هنر نه تنها از سیر خود بازماند بلکه با آن مانند دیگر اموری که به ظاهر با مصالح سیاسی آنان منافات داشت به شدت مخالفت شد. گرچه سیاست مذهبی صفویه در پیشبرد مقاصدشان از نظر سیاسی مفید و موثر واقع شد و سبب وحدت ملّی شد ولی لطمه‌ی شدیدی به ادب و هنر موسیقی ایران زد.

در دوره‌ی صفویه که دنباله‌ی عصر درخشان هنری جانشینان امیر تیمور بود و به سبب تربیت شدگان این دوره و انتقال آنان به عصر صفویه با وجود عدم توجه شاه اسماعیل اول و تعصب شدید شاه تهماسب، هنوز موسیقی ایران نمایندگان به نامی داشت. کوشش شاه عباس بزرگ در تشویق هنرهای زیبا از جمله موسیقی و بزرگداشت اهل این فن و توجه مخصوص به این طبقه از هنرمندان و استادان هنری که در این دوره می‌زیستند از سرعت انحطاط موسیقی تا حدی جلوگیری کرد. پس از درگذشت شاه عباس و از میان رفتن اساتید موسیقی و پرورش یافتگان زمان او سیر نزولی هنر موسیقی سرعت گرفت و شیرازه‌ی آن که پس از تشکیل این سلسله در ایران سستی گرفته بود، یکباره از هم گسیخت و در اواخر صفویه و سده‌ی دوازده هجری آثار این ضعف و انحطاط به خوبی نمایان گردید و ادامه‌ی آن به عصر قاجاریه کشیده شد.

در عصر قاجاریه به واسطه‌ی توجه فتحعلی شاه و به ویژه ناصرالدین شاه به عیش و عشرت و علاقه‌ی اعیان و اشراف به این تشریفات، هنر موسیقی به ویژه خوانندگی رواج و رونق بسیار گرفت و آموزش و پرورش هنر موسیقی و نوازنده‌گی بین طبقات مختلف درباری و مردم به تدریج متداول شد و به مناسبت مباشرت افرادی از طبقات عالی اجتماع به

نوازنده‌گی و رونق بازار روضه و تعزیه، هنر موسیقی تا حدی اعتبار و حیثیت گذشته‌ی خود را بازیافت و از پراکندگی خارج شد و سروسامان گرفت.

تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون و توجه به موسیقی اروپایی و تشکیل شعبه‌ی موزیک نظامی و استخدام معلمین خارجی و تشکیل دسته‌های موزیک نظامی و موسسات جدید هنری از سوی دیگر سبب شد تا موسیقی به عنوان یک هنر ارزنده مورد توجه قرار گیرد و از دستاوردهای مفید آن آشنایی با نت (خط موسیقی بین المللی) بود.

به هر حال چون موسیقی حاصل ذوق دوران‌های متتمادی تمدن ایرانی و یادگار احساسات و عواطف و تاریخ نیاکان و بازگو کننده‌ی روحیات و عوالم درونی هر فرد ایرانی است، گنجینه‌ای گرامی و مقدس است و حفظ آن از فرایض ملی ماست. باشد که این هنر ارجمند را بها داده و در حفظ و اشاعه‌ی آن کوشنا باشیم.<sup>۱</sup>

### دستگاه، گوشه، آواز و ردیف

دستگاه: به آوازی اطلاق می‌شود که طرز بستن درجات گام<sup>۲</sup> آن و فواصل جزء آن، شباهت به گام دیگر نداشته باشد. دستگاه شامل یک یا چند آواز و تعدادی گوشه است (کم یا زیاد به حسب دستگاه). همچنین دستگاه عبارت است از مجموعه‌ی کاملی از موسیقی ایرانی، شامل: پیش

۱. به نقل از سایت‌های فرهنگ سرا (farhangsara.com)، موسیقی (iranactor.com)، موسیقی هنری ایران (persianartmusic.com)، پایگاه علمی هم کلاسی (afarideh4.blogfa.com) و وبلاگ بزرگان موسیقی سنتی ایران (hamkelasy.com)
۲. یک سلسله اشیائی که به ترتیب طبیعی قرار داده باشند. در اصطلاح موسیقی، هشت نت که به ترتیب طبیعی صداها پشت سر هم باشد.

درآمد<sup>۱</sup>، چهار مضراب<sup>۲</sup>، آواز، قطعات ضربی، تصنیف<sup>۳</sup> و رنگ<sup>۴</sup> گوشه: بخشی از موسیقی که کوچک‌تر از مایه یا آواز است و هر مایه و دستگاه از چندین گوشه تشکیل می‌شود. ارکان تشکیل دهنده‌ی آوازها و دستگاه‌های ایران، گوشه‌ها هستند که خود مستقل و در نفس خود مشخص می‌باشند و هر گوشه با فرود یا پلی به گوشه‌های دیگر ربط پیدا می‌کند و آواز یا دستگاه را شامل می‌شود.

آواز: آواز از دستگاه محدودتر است و به نوعی از موسیقی گفته می‌شود که وزن آزاد دارد و در قدیم به آن نواخت می‌گفتند. پنج آواز (مایه) از این قرارند: افشاری، دشتی، ابوعطاء، بیات ترک، بیات اصفهان

ردیف: مجموع لحن‌ها و نغمه‌های مرتب یک دستگاه و متعلقات آن را ردیف آن دستگاه می‌گویند و مجموع هفت دستگاه و پنج آواز و گوشه‌های مربوطه و متعلقات آنها را ردیف موسیقی می‌نامند.

۱. آهنگی است با ریتم آهسته که معمولاً قبل از قسمت شروع آواز اجرا می‌شود و این قطعه‌ی سازی است که به وسیله‌ی تمام اعضای ارکستر نواخته می‌شود و حالت تمھیدی برای شنونده دارد تا آمادگی ذهنی را برای شنیدن دستگاه یا آواز اصلی داشته باشد.

۲. یک قطعه آهنگ سازی است که معمولاً به همراهی ضرب نواخته می‌شود. تکنواز در این قسمت، فرصن هنرنمایی دارد و با آن که جنبه‌ی تکنیکی دارد، حالت و احساس نوازنده در آن اثر زیادی دارد.

۳. آهنگ ضربی است که خواننده پس از مقدمه‌ای کوتاه، کلام را می‌خواند و ارکستر و خواننده به صورت سوال و جواب تصنیف را اجرا می‌کنند. نوعی شعر است که با آهنگ موسیقی خوانده می‌شود.

۴. قسمت‌های ضربی در ردیف‌های آواز که موزون و نشاط آور است. رنگ را در آخرین قسمت موسیقی اجرا می‌کنند، چون دارای ضرب نسبتاً تنیدی است و موجب نشاط خاطر می‌گردد.

## دستگاه‌ها و گوشه‌های موسیقی ایران

موسیقی امروز ایران عبارت از هفت دستگاه است: شور، ماهور، همایون، سه‌گاه، چهارگاه، نوا و راست پنجگاه  
دستگاه شور: آوازی است که با ذوق مشرقی‌ها موافق و مورد پسند عمومی است زیرا فواصل پرده‌های<sup>۱</sup> آن خیلی با هم فرق ندارند و اغلب نغمه‌های طوائف و ایلات و عشایر در زمینه‌ی این دستگاه است. نغمه‌های شور عبارت است از: ابوعطاء، بیات ترک، افشاری، دشتی و گوشه‌های شور از این قرارند: سلمک، رضوی، شهناز، حسینی، دوبیتی، خارا، ملانازی، گریلی (گریه لیلی)، رهاب، نغمه، شهرآشوب، عقده گشا، مثنوی، گلریز

و ...

آواز شور جذبه و لطف خاصی دارد و بسیار شاعرانه و دل فریب است. از ملال و حزن درونی حکایت کرده و گاه نیز با ناله‌ای موثر و وقاری پوشیده از حجب و حیا نصیحت می‌کند و دلداری می‌دهد. این آواز برای ابراز احساسات درونی از قبیل عشق و محبت و عاطفه و ترحم و امثال آن بسیار مناسب است.

دستگاه ماهور: یکی از هفت دستگاه موسیقی ایران است که گام آن با گام بزرگ مطابقت دارد. از گوشه‌های مهم ماهور می‌توان: داد، نیریز، دلکش، شکسته، عراق، راک، خوارزمی و خاوران را نام برد. استادان موسیقی عقیده دارند که موسیقی بین‌المللی را در دستگاه ماهور می‌توان اجرا کرد. بیشتر سروده‌های ساخته شده در ایران، به خصوص سروده‌های نظامی و میهنی در دستگاه ماهور ساخته شده است. تعدادی از آهنگ‌ها و ترانه‌های ملی، ساخته‌ی استادان قدیمی که در دست

۱. هر یک از آوازها و آهنگ‌های موسیقی.

است، در دستگاه ماهور تصنیف شده است مانند: نرگس مستی، لب لعل، صورتگر نقاش چین و زلف سرکج.

آهنگ ماهور راحتی بخش و تسلی دهنده و با وقار است. نوای ماهور صدھا آرزوی خیر و آرمان نیک را در نهاد انسان برمی انگیزد و انسان از صمیم قلب می خواهد که وجودش منبع خیر و برکت باشد.

دستگاه همایون: یکی از دستگاه‌های هفت گانه‌ی موسیقی ایران است که گام آن از گام کوچک هارمونیک مشتق شده است. گوشه‌های این دستگاه عبارتند از:

کرشمه، زنگ شتر، گوشه چهارگاه، موالیان، چکاوک، نغمه‌ی چکاوک، بیداد، نی داود، فرود چکاوک، باوی، راوندی، ابوالچپ، لیلی و مجنون، نوروز صبا، نوروز خارا، نفیر، زابل، فرنگ، عشق، شوستری، مرودشتی، بهبهانی، منصوری، بختیاری، دلنواز، نیریز، جامه دران و ...

همایون آوازی است نشاط انگیز و شادی بخش. از ناله و فغان و ضجه عاری است و با طمأنینه و با وقار است.

دستگاه سه‌گاه: سه گاه از نغمه‌های قدیم ایران بوده است. آواز سه گاه میان اهالی آذربایجان و قفقاز بسیار متداول است و ترک‌ها در خواندن این آواز بیشتر مهارت به خرج می‌دهند و حزن و اندوه شدیدی موقع خواندن این آواز در شنوondگان ایجاد می‌کنند، ولی فارسی زبانان، آواز سه گاه را طور دیگری می‌خوانند. در پنجاه سال اخیر، موسیقی دان‌های ایران، پس از دستگاه شور، بهترین و بیشترین آهنگ‌های خود را در دستگاه سه گاه تصنیف کرده‌اند از آن جمله: من از روز ازل دیوانه بودم (مرتضی محجوبی)، دیوانه منم (همایون خرم)، چهار مضراب سه

گاه استاد صبا و پیش درآمد جنگ و صلح شهنازی. گوشه‌های سه گاه عبارتند از: نغمه، زنگ شتر، زابل، پنجه مویه، بسته نگار، حصار، مخالف، مغلوب، دو بیتی، حزین، مسیحی، ناقوس، شاه ختایی، تخت طاقدیس، مثنوی و ...

سه گاه بسیار غم انگیز و ملال آور است. گویی این آواز جز برای شیون و زاری و فغان و فریاد درونی، پیام دیگری ندارد. هنگام شنیدن آواز سه گاه، لذت خاصی به انسان دست می‌دهد که موجب ایجاد افسردگی و فراگیری غم درونی می‌شود، البته نه غم ماتم.

**دستگاه چهارگاه:** دستگاه چهارگاه یکی از هفت مقام موسیقی رديفی ایران است و از نظر علمی، مهمترین مقام را دارد. به همین جهت اساتید هنر هر گاه بخواهند میزان تبحر و مهارت هنرمند موسیقی را بیازمایند، دستگاه چهارگاه را انتخاب می‌کنند. دستگاه چهارگاه شامل گوشه‌های زیر است:

درآمد، مویه، کرشمه، پیش زنگوله، زنگوله، مویهی صغیر، زنگ شتر، زابل، پنچه مویه، بسته نگار، آواز مویه، حصار، زنگوله حصار، نغمه حصار، دوتا یکی، حزان، پس حصار، معربد، مخالف، حزین، مخالف حاجی حسنی، مخالف مغلوب، نغمه، حدی پهلوی، رجز یا ارجوزه، منصوری، کهکیلویه، فرود، لزگی، حاشیه، متن، شهرآشوب.

دستگاه چهارگاه دستگاهی بسیار قدیمی و اصیل است. این دستگاه جنبه‌ی پهلوانی و حماسی دارد و حرکت و پیشرفت را می‌رساند. مقدمه‌ی آن متین و موقراست و مویه و منصوری آن حزن انگیز و مخالف آن شکایت آمیز. «مبارک باد» آواز محلی شاد و پر جنبش که در سراسر ایران در جشن‌های عروسی با هلله و شادی می‌خوانند، در این

دستگاه ساخته شده است.

دستگاه نوا: این دستگاه گام مستقلی ندارد یعنی بین شور است و گوشه‌ها هر کدام به واسطه‌ی شخصیت آهنگ و وزن شناخته می‌شوند. کرشمه، گردانیه، بیات راجع، حزین، عشق، عراق، محیر، آشور، بسته نگار، اصفهانک، زنگوله، نیشاپورک، نهضت، مجلسی، خجسته، حسینی، ملک حسینی، رهاوی، مسیحی، ناقوس، شاه ختایی، تخت طاقدیس، نستاری، بوسیلک، نیریز صغیر و کبیر از گوشه‌های این دستگاه به شمار می‌روند.

نوا آوازی است با طمانينه و با وقار و نصیحت آمیز که با آهنگی ملایم، نه چندان فرح بخش و شاد و نه زیاد دردناک و محزون، بیان احساسات می‌کند. در موقع خستگی و ایام فراغت، شنیدن نوا بسیار مطبوع است و معمولاً آن را آواز خواب می‌خوانده و در آخر مجالس انس و طرب می‌نواخته اند. قدمًا نوا را در متولدین ماه نهم سال (قوس) موثر می‌دانسته اند.

دستگاه راست پنجگاه: همان گام ماهور است ولی موسیقی‌دان‌های سطحی از درک آن عاجزند. در حقیقت راست آوازی بوده که در موسیقی قدیم ما عنوانی دارد و پنجگاه هم گوشه‌ای است ولی امروز اصل موضوع مهم‌تر از این دو گوشه است و در واقع آوازی است که همه‌ی آوازها در آن زده می‌شود. راست پنجگاه حالت خاص و متمایزی ندارد زیرا هر قسمت از آن، حالت یکی از آوازها را داراست و به همین جهت از سایر آوازها کامل‌تر است، چون دارای تمام حالات و صفات آوازی دیگر نیز می‌باشد. گوشه‌های آن عبارتند از: زنگ شتر، پروانه، زنگوله، روح‌افزا، عشق، سپهر، بحر نور، محیر، قرقه، نفیر فرنگ، نوروز عرب، ابوالچپ،

## بدیعی، حبیب الله

حبیب‌الله بدیعی در چهارم فروردین ماه سال ۱۳۱۲ در سوادکوه از توابع مازندران زاده شد. پدرش علی محمد نام داشت و از ملاکین ناحیه به شمار می‌رفت. علی محمد هرگاه از بازدید کشتزارها و سرکشی ده فراغی می‌یافت برای دل خود دوتار می‌نوخت.

حبیب‌الله تا سن چهارسالگی در سوادکوه می‌زیست و بی‌خبر از دنیا پرهیاهو به بازی‌های کودکانه می‌پرداخت. در همین سال بود که به ساری مرکز مازندران آمد. دو سال اول ابتدایی را در ساری به دستان رفت. سال سوم ابتدایی به تهران منتقل شد و در مدرسه‌ی پانزده بهمن واقع در خیابان صفی‌علیشاه تحصیلات خود را ادامه داد. وی از سن چهارسالگی میل شدیدی نسبت به موسیقی داشت.

خودش می‌گوید: «شش ساله بودم و یک گرامافون کوکی در طبقه‌ی بالای منزل داشتیم و تعداد زیادی از صفحات قمر، بدیع‌زاده، تاج اصفهانی و ویولن صبا در میان این صفحات بود. بیشتر اوقات پنهانی به طبقه‌ی بالا می‌رفتم و دور از چشم دیگران به این صفحات گوش می‌دادم و شیدا و مسحور نواهای دل‌انگیز آن می‌شدم.»

سه برادر و دو خواهر داشت که یکی از برادرهای وی دکتر

بدیعی استاد دانشگاه بود که ایام فراغت به نواختن ویولن مشغول می‌شد. بدیعی می‌گوید: «هر وقت فرصتی دست می‌داد و چشم برادر بزرگتر را دور می‌دیدم، به ویولن او دستبرد می‌زدم و به نواختن می‌پرداختم.» وی در تهران ابتدا برای فراگرفتن و نواختن ویولن نزد دکتر لطف‌الله مفخم که از شاگردان خوب و با وفا استاد صبا بود می‌رود و مدت سه سال زیر نظر وی شروع به فراگیری و نواختن ویولن و نت می‌کند و ردیفهای استاد صبا را به خوبی اجرا می‌کند و پس از این مدت یکی از سولیست<sup>۱</sup>های خوب رادیو می‌شود که در برنامه‌ی ارتش شروع به همکاری می‌نماید. در سال ۱۳۲۹ در برنامه‌ی یاد شده ده دقیقه ساز سلو<sup>۲</sup> برایش منظور می‌شود.

وی در سال ۱۳۳۰ در ارکستر ابراهیم منصوری مشغول کار می‌شود. ابراهیم منصوری در آن سال رئیس موسیقی رادیو بود و از بدیعی دعوت کرده بود که در رادیو تکنوازی کند. حبیب‌الله بدیعی مدتی بعد به کلاس استاد صبا می‌رود و مدت دو سال هم نزد استاد کسب فیض می‌نماید و دوره‌ی تکمیلی آوازها را فرا می‌گیرد. پس از این مدت دو سال نیز نزد هنرمندی به نام جیلگوزیان که از ارمنه‌ی قفقاز بود، می‌رود و موسیقی کلاسیک را می‌آموزد.

شادروان بدیعی در نواختن دستگاه‌ها و گوشه‌های آواز ایرانی از قدرت و توانایی قابل توجهی برخوردار بود به طوری که اهل فن به قدرت آرشه‌کشی و توانایی این هنرمند فقید اذعان دارند و سالیان دراز طول خواهد کشید تا هنرمندی با چنین قدرتی در نواختن ویولن باید

۱. تک خوان

۲. solo تک خوان، کسی که به تنها ی آهنگی را بنوازد، قطعه‌ی موسیقی که کسی تنها بخواند یا بنوازد.

و جای بسی افسوس است که دست اجل گل وجود این عزیز را پژمرده و پرپر کرد و ضربه‌ای سنگین و بزرگ بر پیکر موسیقی سنتی ایران وارد شد. بدیعی از سال ۱۳۳۷ در برنامه‌ی گلهای نوازنده‌ی می‌کرد ولی ابلاغ رسمی را از سال ۱۳۳۸ گرفت. وی حدود دویست آهنگ ساخت و مدت‌ها عضو شورای موسیقی بود. چندی نیز رئیس اداره‌ی موسیقی رادیو شد. سمت‌هایی که در دوران زندگیش داشت به ترتیب زیر است: سال ۱۳۴۳ عضو شورای موسیقی - سال ۱۳۴۵ معاون اداره‌ی رادیو تهران و سپس معاون اداره‌ی موسیقی - سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱ رئیس اداره‌ی موسیقی رادیو - سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۸ عضو شورای واحد موسیقی که اعضاء آن متشکل از آقایان مرتضی حنانه، علی تجویدی، حسینعلی ملاح و حبیب‌الله بدیعی بود و ضمن رهبری ارکسترها شماره‌ی (۲) و (۴) و (۶) مدت شش سال رهبری ارکستر «باربد» را بر عهده داشت. حبیب‌الله بدیعی مردی متین، محبوب و دوست داشتنی بود. وی در سال ۱۳۶۵ در آمریکا مورد عمل جراحی دشوار قلب قرار گرفت و سرانجام در ۲۹ مهرماه سال ۱۳۷۱ به رحمت ایزدی پیوست. پیکر وی را در جوار امامزاده طاهر کرج به خاک سپردند. خداوند روح وی را قرین رحمت خویش فرماید.

### گلهای نازه ۲۷ (گریه‌ی پنهان)

هم‌نواز آواز: حبیب‌الله بدیعی<sup>۱</sup> \* اشعار: علی اشتربی \* خواننده: محمودی خوانساری \* دستگاه: شور \* گوینده: فخری نیک‌زاد  
دکلمه: عمری ز سوز آتش هجران گریستم

۱. با هنرمندی منصور صارمی و جهانگیر ملک.